

فصل دوم:

روند تغییر ایدئولوژی

□ مراحل مارکسیست کردن اعضا

○ مغالطه «مبارزه ایدئولوژیک»

رهبری مارکسیست شده سازمان تصمیم گرفت که روند دگرذیسی عقیدتی خود را - با صرفه‌جویی بیشتر نسبت به «زمان» - در سطح کادرها و اعضا تعمیم دهد. از همان نخست، به اراده تقی شهرام، نوعی تقسیم کار صورت گرفت: نگارش متون آموزشی و القای کتبی شبهات را شهرام خود به عهده گرفت؛ و اجرای عملی و گام به گام تغییر ایدئولوژی به ناصر جوهری محول گردید. با توجه به ارتباط محدود شهرام با اعضا و بدنه سازمان، عملاً جوهری بازوی فکری و اجرایی او در روند دگرذیسی بود. برخلاف بهرام آرام، جوهری از توان و اقتدار لازم برای برخورد تئوریک و نظری برخوردار بود و چنانکه گفتیم، پس از تقی شهرام، نخستین فرد از اعضای سازمان بود که مارکسیست شد.^۱

این نکته را یادآور شویم که روند «مارکسیست شدن» کادرهای بالای سازمان با روند «مارکسیست کردن» دیگر اعضا متفاوت بود. کادرهای بالا، ضمن مباحثاتی که تقی شهرام به راه می‌انداخت - تقریباً - در همان پاییز ۵۲ مارکسیست شدند.

۱. خلاصه پرونده‌ها...: جوهری، محمدابراهیم (ناصر).

مراحل اجرایی «مارکسیست کردن» اعضا، با کارگردانی ناصر جوهری، جنبه‌های مختلفی داشت که به ترتیب «اجرا» و با استناد به خاطرات و نوشته‌های افراد تحت مسئولیت وی - به خصوص خلیل دزفولی - در اینجا می‌آید. لازم به تذکر است که طبق رهنمودها و دستورالعمل‌های جوهری - که غالباً توسط تقی شهرام و بهرام آرام انتقال می‌یافت - کادرهای مسئول ملزم به اجرای مراحل زیر، در کلاس و حوزه یا هسته تحت مسئولیت خود بودند.

○ تخلیه روانی

در این مرحله، مسئول با ظرافت و به تدریج، حساسیت‌های مذهبی، به خصوص حساسیت‌ها و وسواس‌های عبادی اعضا (یا عضو) را ابتدا کم می‌کرد و بعد از بین می‌برد. برای مثال، پس از یک نشست ناگهان اظهار می‌کرد که نمازش قضا شده؛ و پس از چند بار تکرار، کاری می‌کرد که اعضا از او توضیح بخواهند؛ و او در جواب می‌گفت که به جای آن (ادای بموقع نماز) کارهای مثبت انجام دادیم - مثلاً کار تئوریک مفید کردیم - و ضمناً قضای نماز را هم می‌خوانم! بعداً اعضا را به نوبت، در منگنه زمانی خاصی قرار می‌داد؛ به حدی که نتوانند - مثلاً - نماز ظهر و عصر را بخوانند، آنگاه در برابر احساس شرمندگی و گناه اعضا، به آنها توضیح می‌داد که هر کاری به حفظ سازمان بینجامد، مثل نماز است؛ چرا که برای مثال، اگر شما به جای اجرای یک قرار یا زدن یک علامت سلامتی، نماز می‌خواندید وضعیت تشکیلات مختل می‌شد، ولی شما اکنون هم می‌توانید قضای نماز را بخوانید. در کنار این برخوردها، فرازی از جزوه مبارزه چیست (اولین اثر آموزشی سازمان) توسط مسئول تفسیر می‌شد؛ در این فراز قید شده بود که خودسازی تا زمانی مفید است که مانعی در راه مبارزه نباشد؛ و در تفسیر «خودسازی»، نماز و روزه را از مصداق‌های آن عنوان می‌کرد. در همین راستا در طول ماه رمضان سال‌های ۵۲ و ۵۳، اکثر افراد رده دو سازمان، به دستور مسئول خود، روزه نگرفتند؛ چون استدلال می‌شد که در نتیجه روزه توان و انرژی مبارزه از آنها گرفته می‌شود. برنامه‌ریزی‌های این ایام نیز طوری بود که - عملاً - عضو را خسته می‌کرد (فرستادن به کارگری، قرارهای متعدد و بی‌ثمر، علامت زنی‌های بی‌دلیل و...). در آخر این مرحله، که همراه با آن مراحل دیگری نیز اجرا می‌شد، عضو «مذهبی» - عملاً و روحاً - نسبت به انجام اعمال

عبادی بی تفاوت می‌شد.^۱

○ قطع آموزش‌های مذهبی و مطالعات اسلامی

از ابتدای شکل‌گیری سازمان، گهگاه ولی به‌طور مستمر، مطالعه قرآن و نهج‌البلاغه و بحث‌های - به اصطلاح - تفسیری و یا مطالعات فردی روی این متون وجود داشت؛ و از جمله وظایف مسئول، کار تفسیری و توضیحی در این موارد بود. اما در وضعیت جدید سازمان، با طرح این موضوع که «ما در کلیت امر، اسلام و قرآن و نهج‌البلاغه را پذیرفته‌ایم ولی در مورد متون مربوط به مبارزه، ضعف داریم»، به تدریج آموزش‌های مذهبی - در مقاطعی - حذف و بعد به‌طور کلی قطع گردید.^۲

○ جایگزینی متون مارکسیستی

همزمان با قطع آموزش‌ها و مطالعات مذهبی، آموزش متون مارکسیستی - که متون قدیمی و بعضاً جدید بود - جای بیشتری را اشغال کرد. در این دوره، آموزش - عمدتاً - روی کتاب‌های چه باید کرد (لنین)، تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی (تصویب و تقریر استالین)، مسائل لنینیسم (استالین) و برخی جزوه‌های مربوط به چین و ویتنام متمرکز شد و تقریباً تمام اوقات فراغت اعضا را پر کرد.^۳

○ طرح شبهات به وسیله «جزوه سبز»

از همان اوایل پاییز ۵۲، تقی شهبام سلسله مقالات و یا - صرفاً - طرح سؤالات و شبهاتی را به قصد سست کردن اعتقاد اسلامی اعضا، در نشریه داخلی سازمان (که همه اعضا موظف به مطالعه و آموزش آن بودند) آغاز کرد. چون اولین جزوه‌ای که این مقالات در آن چاپ شد، به دلیل کمبود کاغذ سفید تحریر، روی کاغذ سبز تجارتي چاپ شد، به «جزوه سبز» معروف گردید^۴ و نشریات بعدی نیز - به رغم تفاوت

۱. اظهارات خلیل دزفولی. برای آگاهی بیشتر به تهرانی، ساخت روانی و جامعه شناسانه سازمان...: صص ۱۴۰-۱۴۱.

۲. مقدمه بیانیه اعلام مواضع... خلاصه پرونده‌ها...: جوهری، محمدابراهیم (ناصر). نیز به اظهارات علی خدایی صفت مندرج در تحلیل آموزشی...: صص ۱۵۰-۱۵۵.

۳. تحلیلی بر تغییر و تحولات...: صص ۱۸-۲۲؛ با تلخیص.

۴. یادداشت‌های تقی شهبام در دادستانی انقلاب. خلاصه پرونده‌ها...: ابراری، محمدحسن.

رنگ کاغذ - بدین نام خوانده شدند!^۱

شهرام در این جزوه‌ها سؤالاتی را همراه با توضیحی مختصر مطرح می‌کرد که حتی در افراد قوی‌تر مذهبی نیز خلجان و تردید ایجاد می‌نمود. عمده‌ترین سؤالات عبارت بود از:

۱- چرا در جزوه شناخت به جای به کار بردن کلمه «دیالکتیک»، به طور محافظه کارانه، لفظ ناکافی و نارسای «دینامیک» انتخاب شده؟ (تلاش در اثبات بی‌صدافتی مسئولین قبلی سازمان).

۲- چگونه می‌توان هم به «ماتریالیسم تاریخی» و روند دوره‌های تاریخی که توسط مارکسیسم تبیین شده اعتقاد داشت و هم پدیده «وحی» و «نبوت» را پذیرفت؟

۳- چرا مسئولین سازمان قبلاً مباحثی که مربوط به مسائل متافیزیک - فی‌المثل راجع به ملائکه و امثال آن - بود، از آموزش حذف می‌کردند و مطالعه آن را در نهج‌البلاغه (به خصوص خطبه‌هایی که مربوط به این موضوعات است) به تعلیق و تعویق واگذار می‌کردند؟

۴- مسئولین قبلی سازمان چرا سؤالات و مشکلات اعضا را در خصوص آنچه حضرت علی درباره «زن» در نهج‌البلاغه گفته و آنچه در قرآن در این مورد آمده، با سکوت برگزار می‌کرده‌اند؟ آیا مطالبی که در قرآن و نهج‌البلاغه در مورد «زن» آمده، شما را قانع می‌کند؟

۵- تحقیر «مردم» (ناس) را در قرآن چگونه تبیین و توجیه کنیم؟

۶- هیچ‌گاه تا به حال، به طور جدی، با مسئله «برده‌داری در اسلام» برخورد کرده‌اید؟

۷- آیا به نظر شما آنها که در جریان مبارزه مسلحانه نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند، موفق‌اند یا خیر؟ در مسئله مبارزه، فرق ما که مسلمانیم با چریک‌های فدایی که مارکسیست‌اند چیست؟

۸- آنهایی که به خدا اعتقاد ندارند ولی مبارزه می‌کنند، با ما چه تفاوتی دارند؟ اگر اعتقاد به خدا پیدا کنند، چه تغییری در عملشان ایجاد خواهد شد؟

۹- به نظر شما محدودیت‌هایی را که به دلیل اخلاق مذهبی در روند عمل تشکیلاتی و مبارزه ایجاد می‌شود، چگونه می‌توان برداشت و در عین حال آن اخلاق و اعتقاد را هم حفظ کرد؟

۱۰- با دقت در عملکرد سازمان، طی این چند سال، سعی کنید علل ضربه‌ها را پیدا و بررسی کنید.

۱۱- ایده‌آلیسم پنهان در متن ایدئولوژی سازمان چگونه با شرایط عینی مبارزه قابل انطباق است؟^۲

۱. خلاصه پرونده‌ها...: ابراری، محمدحسن؛ فقیه دزفولی، محمدعلی (خلیل).

۲. مفاد جزوه سبز، به نقل از متن بیانیه اعلام مواضع... و پرونده‌ها.

در کلاس‌ها و حوزه‌های تشکیلات سازمان، در آن مقطع مسئول، طبق رهنمود مرکزیت، خود جوابی به این سؤالات نمی‌داد و فقط به اعضا می‌گفت که جواب و تحلیل سؤالات را خودشان در بیاورند.

○ اعلام مارکسیسم

مسئول، پس از طی مرحله به مرحله رهنمودهای مرکزیت و در صورت احساس وجود زمینه مستعد در عضو (که معمولاً تحصیل حاصل بود)، به وی اظهار می‌داشت که «سازمان مارکسیست شده و تو هم باید تصمیم بگیری». نتیجه معلوم بود و اغلب اعضا می‌پذیرفتند که از مرکزیت تبعیت کنند و مارکسیست شوند. در واقع، از مدت‌ها پیش، عضو مورد نظر عملاً مارکسیست بوده و فقط به تصریح مسئول خویش نیاز داشته است!^۱

خلیل دزفولی، که در جریان «مبارزه ایدئولوژیک» تحت مسئولیت مستقیم ناصر جوهری قرار داشت، شرح‌گذاردن این مراحل را - به اجمال - بیان کرده است:

من و ابراهیم داور، زمانی، تحت مسئولیت ناصر جوهری قرار گرفتیم. در اوایل ناصر نسبت به انجام عبادات اهتمام داشت ولی بحث نهج‌البلاغه و قرآن را قطع کرد؛ با این تأکید که فعلاً باید در زمینه تئوری کار کرد [و باید] به نحو دیگری خود را بارور کنیم. کتاب تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی را در دستور آموزش قرار داد و در کنار آن جزوه‌های آموزش داخلی سازمان (جزوه‌های سبز) را به ما می‌داد و در قبال سؤالاتی که در جزوه مطرح بود و قید شده بود که جوابش را خود بیابند، پاسخی نمی‌داد؛ ولی سؤالات را می‌شکافت. این سؤالات از این قبیل بودند:

- با توجه به اعتقادمان به ماتریالیسم تاریخی، چگونه می‌توانیم پدیده «وحی» را توضیح دهیم؟

- چرا در قرآن ذکر شده است که اکثر مردم نادان، ناسپاس و... اند؟

- در مورد نقش زن در قرآن و نهج‌البلاغه فکر کنید.

همراه با طرح این‌گونه سؤالات و قطع آموزش قرآن و نهج‌البلاغه و شرح آموزش‌های جدید ماتریالیستی، بی‌اعتنایی ناصر به امور مذهبی نیز بیشتر مشهود بود؛ مثلاً آخر وقت قرار که داشتیم، می‌گفت: «نماز قضا شده... ولی خوب، مهم نیست؛ چون ما به چیز

۱. تهرانی، ساخت روانی و جامعه‌شناسانه سازمان...: صص ۱۴۰-۱۴۱.

مهمتری پرداختیم.» و یا وقت ما را به نحوی پر می‌کرد که به نماز خواندن نمی‌رسیدیم. وقتی که این مشکل را با او مطرح می‌کردیم، می‌گفت: «شما باید در مواقعی به انتخاب دست بزنید؛ به قرار نرسیدن و در نتیجه - الکی - خانه‌ای تخلیه شدن مهمتر است و یا انضباط داشتن؟ و اگر می‌خواستین به نماز برسین، اون شقّ اول پیش می‌آمد...»

به همین ترتیب ادامه می‌داد تا اینکه یک روز به من و ابراهیم داور گفت: «فردا می‌خواهم مسئله مهمی را مطرح کنم.» فردای آن روز فقط چند دقیقه آمد و خیلی سریع گفت: «سازمان مارکسیست شده؛ شما هم تصمیم تون [را] بگیرین.» ما از او پرسیدیم که آیا خودش نیز مارکسیست شده؛ که جواب مثبت داد. آن شب را کمی فکر کردیم و فردا هر دو جواب دادیم که ما نیز ایدئولوژی جدید سازمان را پذیرفته‌ایم.

[...] زود قبول کردن مارکسیسم من، از دید ذهنی‌ام نسبت به مسئولین خود در می‌آمد. من همیشه با مسئولین برخورد مطلق می‌کرده و آنها را آدم‌های کامل و منزّهی می‌دانستم و هرچه می‌گفتند قبول می‌کردم. مسئله ایدئولوژی قبلاً با همکلاسی‌ام مطرح شده بود و آنها نیز در کلاس قبلی، مارکسیسم را قبول کرده بودند. خلاصه ما نیز مارکسیست شدیم.^۱

نوعی دیگر از ترفندهای «استحاله» ایدئولوژیک، در نحوه برخورد بهرام آرام و عضو تحت مسئولیتش، علی‌خدایی‌صفت (عضوی مردّد که با شریف واقفی نیز ارتباط داشته است)، نمایان است. خدایی‌صفت ضمن تشریح این جریان، از قول بهرام آرام چنین نقل می‌کند:

«ایدئولوژی التقاطی بوده، زیربنای ماتریالیستی داشته و روبنای مذهبی را به آن چسبانده‌اند؛ چیزی که با هزار من سریش هم نمی‌چسبد. دیالکتیک زیربنای ماتریالیسم است.»^۲

۱. همان، همان صفحات. نیز خلاصه پرونده‌ها... فقیه دزفولی - جوهری. پرونده فقیه دزفولی، ج ۱: ص ۱۸۰.

۲. تحلیل آموزشی... ص ۱۵۳.

شماره پرونده ۲۵۸۷

شماره جلد ۱

نام محمد ابراهیم جوهری

شهرت جوهری

نام پدر اسماعیل


شغل دانشجو

نام و شهرت قبلی

شماره شناسنامه ۳۹

تاریخ و محل صدور تهران

تاریخ و محل تولد ۱۳۳۵



آخرین عکس المکان شود

محمد ابراهیم جوهری



خلیل فقیه دزفولی



محمد ابراهیم جوهری

□ مارکسیست شدن کادرها و اعضای مسئول

«زمینه رشد یک جریان فکری ماتریالیسم، به دلایل مختلف، فراهم شده و سازمان - بالقوه - آستان چنین جریانی بود. با شکل‌گیری و رشد عناصر ذهنی این تحول، بروز یک جریان مارکسیستی و یا بهتر بگوییم ماتریالیستی، در سازمان صورت عینی به خود پذیرفت و جنبه مادی گرفت؛ و چندان طولی نکشید که استخوان‌بندی اصلی سازمان (غالب رفقای مسئول و کادرهای اصلی) مارکسیسم را پذیرفتند.»^۱

پروسه تغییر ایدئولوژی و به تعبیر روشن‌تر «روند ارتداد» - که جز در مورد عناصر نزدیک به تقی شهرام، در سایر موارد با استفاده از جزوه‌های سبز و عملیات روانی - ایدئولوژیک مسئول مارکسیست نسبت به اعضای مارکسیست نشده و سپس با انتشار مقاله «پرچم» همراه با حذف متون قدیم آموزشی و آموزش متون جدید مارکسیستی محقق شد - به جایی رسید که علاوه بر کادرها و مسئولان، کمتر عضو باسابقه‌ای بود که مارکسیست نشده باشد.

در اینجا فهرستی از مارکسیست‌شدگان مهم سازمان ارائه می‌شود؛ با این توضیح که برخی از این افراد، بعدها - به دلایلی - مجدداً به مذهب بازگشتند.

- | | |
|---|---|
| ۱- تقی شهرام | ۲- محمد ابراهیم (ناصر) جوهری |
| ۳- عبدالله زرین‌کفش | ۴- بهرام آرام |
| ۵- علیرضا سپاسی آشتیانی | ۶- محسن فاضل |
| ۷- مجتبی علایی طالقانی ^۲ | ۸- محمد یزدانیان |
| ۹- جواد قائدی | ۱۰- وحید افراخته ^۳ |
| ۱۱- حسین احمدی روحانی (کادر خارج از کشور) | ۱۲- مرتضی (تراب) حق‌شناس (کادر خارج از کشور) |
| ۱۳- مهدی موسوی قمی | ۱۵- جمال شریف‌زاده شیرازی |
| ۱۴- حسین خوشرو (کادر خارج از کشور) | ۱۷- امیرحسین احمدیان (افسر شهربانی و مسئول اسبق زندان ساری) |
| ۱۶- محمد طاهر رحیمی | |
| ۱۸- عبدالله امینی | |

۱. تحلیلی بر تغییر و تحولات...: ص ۱۸.

۲. تسری تغییر ایدئولوژی به کادرهای خارج کشور، توسط این سه تن (سپاسی، فاضل، طالقانی) صورت گرفت.

۳. وی در زندان تغییر موضع داد و وصیت‌نامه‌اش را با نام خدا آغاز کرد.

- ۱۹- علی اصغر دورس
۲۰- محمد کفاش تهرانی
۲۱- محمدصادق (مجید) لغوی
۲۲- محمدرضا احمدآخوندی
۲۳- محمدعلی (خلیل) فقیه دزفولی (وی در زندان به مذهب بازگشت.)
۲۴- ابراهیم داور
۲۵- محمدحسن سبحان‌اللهی
۲۶- عباس جاودانی عرفانی
۲۷- علی اکبر قائمی
۲۸- هاشم وثیق‌پور
۲۹- محمود (آقا کوچک) نمازی
۳۰- مرتضی سیدخاموشی
۳۱- محسن سیدخاموشی
۳۲- احمد هاشمیان قزوینی
۳۳- محمد حاج شفیع‌یها
۳۴- زین‌العابدین (زینال) حقانی
۳۵- محسن طریقت منفرد
۳۶- محمد صادق
۳۷- حسین سیاه‌کلاه
۳۸- محسن سیاه‌کلاه
۳۹- مهدی محسن
۴۰- حسن آلا‌پوش
۴۱- ساسان صمیمی بهبهانی (در زندان مجدداً مذهبی شد - به نقل برادرش کیوان صمیمی در آخرین ملاقات پیش از اعدام وی)
۴۲- محسن بطحایی
۴۳- محمد توکلی‌خواه
۴۴- محسن طریق‌الاسلام
۴۵- مهدی فتحی
۴۶- مسعود فیروزکوهی
۴۷- محمدقاسم عبدالله‌زاده
۴۸- محمدرضا سلطانی جهرمی
۴۹- مرتضی کاشانی
۵۰- غلامرضا سلطانی جهرمی
۵۱- لیلا زمردیان
۵۲- سیمین صالحی
۵۳- حوریه (هایده) بازرگان
۵۴- پوران بازرگان
۵۵- فاطمه تیف‌تکچی
۵۶- محمداقرباقر عباسی
۵۷- احمد صادقی قهاره
۵۸- محمداقرباقر عباسی
۵۹- سیمین جریری
۶۰- بتول (منیژه) افتخاری
۶۱- فاطمه جریری
۶۲- اکرم صادق‌پور کلوری
۶۳- صدیقه رضایی
۶۴- محبوبه متحدین

- ۶۵- منیژه اشرف‌زاده کرمانی
۶۶- فاطمه میرزا جعفر علاف
۶۷- جلیل احمدیان
۶۸- حسین (مرتضی) آلاپوش
۶۹- محمد خوشبختیان
۷۰- علیرضا تشید
۷۱- علیرضا زمردیان
۷۲- بهمن بازرگانی
۷۳- محمود اسماعیل‌خانی
۷۴- ابراهیم خامنه‌ای
۷۵- محمد خوانساری
۷۶- مهدی خسروشاهی
۷۷- حسین قاضی
۷۸- حسن راهی
۷۹- محمد رحمانی
۸۰- کاظم شفیعیها
۸۱- نرگس قجر عضدانلو
۸۲- حوریه (هایده) محسنیان
۸۳- صادق فرد تقوی
۸۴- مجید فیاضی^۱

۱. خلاصه پرونده‌ها...: ذیل همین اسامی.